



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته شیعه شناسی ، گرایش کلام

موضوع :

**بررسی مفاهیم  
ولایت ، امامت و خلافت  
با تأکید بر آراء برخی از متفکران معاصر شیعی**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمود تقی زاده داوری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عسکر دیرباز

نگارنده:

سید محمد مهدی حسینی

تابستان ۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

طبق اخلاص این خامه ، آیت قطره ای از دریای بی  
کران ارادت کمترینی ، تقدیم به ساحت قدسی سبط  
اکبر ، ابو محمد امام حسن مجتبی علیه و علی آبائه و  
امه و اخیه و ابناء اخیه آلاف التحیة و الثناء

## چکیده

مفاهیم ولایت، امامت و خلافت از آن دسته مفاهیمی هستند که استعمال آن در قرآن شایع بوده و همواره زوایای مختلف آن خصوصاً در میان متفکران معاصر مورد بحث و نظر بوده است. بررسی این واژگان می‌تواند در دو زمینه صورت پذیرد: الف: به لحاظ مفهومی. ب: به لحاظ مصداقی.

در مفهوم، ولایت عبارت از قرب و نزدیکی بین دو چیز، امامت پیشوایی و مقتدا بودن، خلافت جانشینی و نیابت خواهد بود.

در مصداق امامت سه نمود دارد: رهبری اجتماع، مرجعیت دینی و هدایت باطنی.

بالاترین مرتبه امامت، ظهور هدایت باطنی است.

صاحب ولایت باطنی در مصداق همان امام و خلیفه است.

تفاوت خلیفه و امام از دیدگاه برخی متفکرین اعتبار است، یعنی یک فرد در قیاس با رتبه پیشین، خلیفه و در قیاس با رتبه آینده، امام نامیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ولایت، امامت، خلافت، خلیفه، امام، رهبری اجتماع، مرجعیت دینی، ولایت باطنی.

## فهرست مطالب

۲	بیان مسأله (تعریف و تبیین موضوع)
۲	ضرورت انجام تحقیق
۳	هدف ها و کاربردهای تحقیق
۳	پیشینه تحقیق
۳	سؤال های اصلی و فرعی تحقیق
۳	سؤال های اصلی
۳	سؤال های فرعی
۴	روش تحقیق
۴	کلید واژه ها:
۶	ولایت و امامت
۶	واژه «ولایت» و ساختار معنایی آن در لغت
۱۱	سلطنت معنای حقیقی ولایت
۱۱	قرب معنای حقیقی ولایت
۱۸	ساختار مفهومی «ولایت» در قرآن
۱۸	اهمیت «ولایت» در قرآن
۲۲	واژه «ولی» و «تولی» در قرآن
۲۴	«ولایت» در قرآن
۲۴	تفاوت «ولایت» و «ولایت»
۲۵	فرق «ولایت» و «نصرت»
۲۵	آیات متضمن واژه «ولایت»
۳۰	«ولی» در قرآن
۳۳	مفهوم قرآنی «ولی»
۳۷	حقیقت «ولی»
۳۹	اولیاء در قرآن
۴۱	«وال» در قرآن

۴۲	..... «اولی» در قرآن
۴۳	..... «مولی» در قرآن
۴۴	..... «تولیه» و «تولی»
۴۵	..... حاصل سخن
۴۵	..... هستی «ولایت»
۴۶	..... اقسام «ولایت»
۴۶	..... ۱. ولایت الهی
۴۷	..... ولایت غیر الهی یا طاغوتی
۴۷	..... «ولایت» در قرآن
۴۷	..... ولایت منفی
۴۹	..... سرّ نهی مؤمنان از پذیرش ولایت کافر
۵۰	..... ملاک روابط مؤمن با کافر
۵۳	..... ولایت مثبت
۵۳	..... انحصار ولایت
۵۵	..... آیات دالّ بر انحصار ولایت به خداوند
۵۷	..... اقسام ولایت خداوند
۵۹	..... ولایت تکوینی و تشریحی
۵۹	..... ولایت پیامبران و اولیا
۶۰	..... اقسام ولایت مثبت
۶۲	..... اقسام ولایت خاص
۶۳	..... کلمه «امام» در قرآن
۶۵	..... حقیقت امامت در قرآن
۶۶	..... سبب امامت
۶۷	..... امام کیست؟
۶۸	..... امامت، عهد الهی
۶۸	..... آیه ی ولایت و مسأله ی حکومت دینی
۶۹	..... آیه ی اولی الأمر و مسأله ی حکومت دینی

۷۱	دیدگاه امام خمینی (ره).....
۷۱	امامت .....
۷۲	دیدگاه استاد مطهری .....
۷۲	ولایت .....
۷۴	امامت .....
۷۵	اقسام امامت .....
۷۵	امامت به معنی رهبری اجتماع .....
۷۵	امامت به معنای مرجعیت دینی .....
۷۵	امامت به معنی ولایت (ولایت باطنی) .....
۷۵	دیدگاه آیه الله جوادی آملی .....
۷۵	ولایت .....
۷۵	معنا و مفهوم ولایت .....
۷۶	خلافت .....
۸۰	دیدگاه امام خمینی (ره).....
۸۱	دیدگاه شهید مطهری: .....
۸۲	دیدگاه آیه الله جوادی آملی: .....
۸۲	فرق خلافت و امامت .....
۸۳	ملک .....
۸۳	تفاوت مُلک و مَلک .....
۸۴	واژه های هم خانواده مُلک در قرآن .....
۸۶	سلطنت مطلوب و ویژگیهای آن .....
۹۰	سلطنت نامطلوب و ویژگی های آن .....
۹۱	مفاسد حکومت استبدادی .....
۱۰۲	به طور خلاصه .....
۱۰۴	سخنی از ابن خلدون درباره نظام سلطنتی .....
۱۰۶	شوری .....
۱۰۸	توضیح و بررسی واژه های "مشورت" و "امر": .....
۱۱۰	مورد مشورت .....

۱۱۲.....	چگونگی شورا و رایزنی در امر مردم
۱۱۴.....	بیعت
۱۱۴ .....	جایگاه بیعت در نظام سیاسی
۱۱۴ .....	بیعت در لغت
۱۱۵ .....	ابن خلدون
۱۱۵ .....	آیه الله سبحانی
۱۱۵ .....	آیه الله مکارم شیرازی
۱۱۶.....	اقسام بیعت به لحاظ معنوی
۱۱۶.....	أ. بیعت اتباع :
۱۱۷ .....	ب. بیعت انتخاب:
۱۱۷.....	بیعت در قرآن و سنت و تاریخ
۱۱۷.....	بیعت با پیامبر
۱۱۸ .....	دو نکته
۱۱۹.....	بیعت در اخبار و روایات
۱۲۱.....	مفهوم بیعت ها
۱۲۱ .....	بیعت های نبوی
۱۲۱ .....	بیعت خلفا
۱۲۲ .....	بیعت با علی (ع)
۱۲۳ .....	بررسی
۱۲۳.....	نقش بیعت
۱۲۵.....	آزادی یا اجبار
۱۲۶.....	بیعت در روزگار معاصر
۱۲۶ .....	مبانی اهل سنت
۱۲۶ .....	مبنای انتخاب
۱۲۶ .....	مبنای بیعت بعد از شورا
۱۲۷ .....	مبنای تعیین توصیفی
۱۲۸.....	نتیجه گیری
۱۲۹.....	فهرست منابع



فصل اول

کلیات

## بیان مسأله (تعریف و تبیین موضوع)

پیشتر در این مقطع سرفصلی را تحت عنوان شیعه و حکومت با تکیه بر نظریه ولایت فقیه گذراندم. روش بحث بررسی آیات و روایات برای بدست آوردن نظریه دین در باب سیاست و قدرت بود. از این رو ابتداءً آیات سیاسی به چهار دسته تقسیم شد که دسته اول آن واژه های سیاسی قرآن بودند که می بایست مورد بحث و بررسی قرار می گرفت. از این میان واژه های ولایت، امامت و خلافت واژگانی بودند که به منظور پژوهش و بررسی به اینجانب واگذار گردید. در سیر مطالعات خود در زمینه دلالت این مفاهیم از نظر لغت و نیز از نگاه برخی مفسران، نیم نگاهی نیز به دیدگاه های برخی از اندیشمندان معاصر پیرامون این مفاهیم معطوف بود و این از آن جهت بود که بحث و نظر پیرامون این واژگان در دوران معاصر و مخصوصاً پس از انقلاب معرکه آراء بوده است. و اندیشمندان بسیاری در آثار متعدد به بررسی ماهیت و مؤدای این واژگان در قرآن و روایات پرداخته اند. تفحص در آرای معاصرین با وجود کثرت آنها رفته رفته این انگیزه را موجب می شد که پژوهشی مستقل در این باب، یعنی بررسی دیدگاه های اندیشمندان معاصر شیعی در زمینه این مفاهیم صورت پذیرد و از آنجا که استیفای تمام آنها به طور کامل در طاق این مقال نبود، تنها به دیدگاه های برخی که بیشتر به این مطلب پرداخته اند که عبارت اند از: امام خمینی، استاد شهید مرتضی مطهری و آیت الله جوادی آملی بسنده گردید. گفتنی است رسالت این پژوهش بررسی ماهیت و حقیقت این مفاهیم در قرآن و کیفیت نسبت آنها با یکدیگر خواهد بود.

## ضرورت انجام تحقیق

امروزه با تداوم حکومت جمهوری اسلامی و دینی شدن ساختار سیاسی جامعه مطالعات سیاسی قرآنی بیش از پیش در تحکیم زیر بنای نظری جمهوری اسلامی کمک کننده، کارساز و هدایت گر می باشد.

## هدف ها و کاربردهای تحقیق

در زمینه اهداف و کاربردهای تحقیق مذکور باید گفت این پژوهش در پژوهش و مطالعات سیاسی چه به صورت نظری و چه به صورت میدانی کاربرد روشنی دارد. زیرا از یک سو در تحکیم زیر بنای نظری جمهوری اسلامی و از سوی دیگر در ترویج اندیشه حکومت دینی نقش آفرین خواهد بود.

## پیشینه تحقیق

از میان آثار متفکران معاصر که به بررسی مفاهیم ولایت و امامت و خلافت پرداخته باشند می توان به کتاب مصباح الهدایه فی الولایه و الخلافه اثر امام خمینی و نیز مباحث علامه طباطبایی در ذیل آیات مربوطه در تفسیر المیزان اشاره نمود. پس از آن کتاب ولایه ها و ولایتها اثر استاد شهید مطهری برجسته ترین اثری است که مستقلا به این مطلب پرداخته است. در میان آثار متفکران اخیر می توان به کتاب ولایت در قرآن اثر آیت الله جوادی آملی در این باب اشاره نمود. این اثر، اثری است مستقل که از آراء او در کتاب های دیگر گرد آوری شده است.

## سؤال های اصلی و فرعی تحقیق

### سؤال های اصلی

۱. هر یک از مفاهیم ولایت، امامت و خلافت به چه معنا هستند؟
۲. این واژگان چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

### سؤال های فرعی

۱. واژگان ولایت، امامت و خلافت به لحاظ مفهومی چه نسبتی با یکدیگر دارند؟
۲. این واژگان به لحاظ مصداقی چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

۳. آیا ولایت اعم از امامت و خلافت است؟

### روش تحقیق

از آنجا که پژوهش در علوم انسانی معمولاً بنیادین و نظری است، روش گردآوری مطالب به عنوان اولین قدم به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از منابع نوشتاری خواهد بود. در پژوهش حاضر پس از گردآوری مطالب به روش فوق‌الذکر به منظور نزدیک‌تر شدن به هدف پژوهش و نیز به عنوان مقدمه ورود به مرحله تفسیر و کشف مراد متن نیاز بر آن بود که پاره‌ای از مفردات، مطالب گردآوری شده و نیز پاره‌ای از عبارات دشوار شرح داده شده و درک روشنتری از پاره‌ای مطالب ارائه شود. پس از شرح مفردات در نهایت مجموع متن در کنار یکدیگر مورد بررسی و تفسیر و کشف مراد از آن قرار گرفت.

**کلید واژه‌ها:** ولایت، امامت، خلافت، خلیفه، امام، رهبری اجتماع، مرجعیت دینی، ولایت باطنی.

فصل دوم

بررسی مفاهیم

## ولایت و امامت

### واژه «ولایت» و ساختار معنایی آن در لغت

کلمات «ولاء»، «ولایت»، «ولی»، «والی»، «مولی»، «توالی» و «اولی» از ریشه (ول.ی) است؛ لذا ساختار معنایی و صرفی «ولی» را مورد بحث قرار می دهیم.

«ولی» به سکون لام بر وزن «رمی»، مصدر است و فعل ثلاثی آن بر دو وزن آمده است:

۱. «ولیه، یلیه» به کسر لازم در هر دو مورد، که جوهری، زبیدی، ابن منظور و فیروزآبادی به کسر لام در ماضی و مضارع را شاذ و نادر می دانند.<sup>۱</sup>

۲. «ولی، یلی» همچون «وقی، یقی» به فتح لام در اوّل و کسر آن در دوم، که مقری و بستانی، استعمال ماده «ولی» را بر این وزن، اندک دانسته اند.<sup>۲</sup>

به نظر می رسد که نظر افراد دسته اوّل، صحیح باشد؛ به دلیل تخصص و سبقت آنها در علم لغت. اما از نظر معنی، «ولی» به سکون لام، به معنای قرب و نزدیک شدن و باران بهاری که بعد از باران (معوف به وسمی) می آید و موجب سرسبزی و شادابی زمین می گردد، آمده است و همچنین، به معنای حاصل شدن دوم بعد از اوّل، بدون اندک فاصله ای نیز آمده است.

---

<sup>۱</sup> جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة والعلوم، ۲ جلد، دار الحضارة العربیة، بیروت، ۱۹۷۴ م، ج ۲، ص ۷۱۵؛ ابن منظور، ابوالفضل محمد، لسان العرب، ۱۵ جلد، چاپ سوم، دارالجلیل للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۴۱۱؛ حسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، دارالمکتبة الحیة، بیروت، ۱۳۰۶ ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ ۶۸. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دارالجلیل، بیروت و المؤسسة العربیة للطباعة والنشر، بیروت و چاپ جدید، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۲۰۹.

<sup>۲</sup> فیومی، همان، ج ۱-۲، ص ۶۷۲؛ بستانی، بطرس، محیط المحيط، چاپ جدید، مکتبه لبنان، ساحه ریاض الصلح، ۱۹۸۷ م، ص ۶۸۵.

گفته می شود «تباعد بعد ولی»؛ یعنی: پس از نزدیک شدن، دور شد. «جلس مما یلینی»؛ یعنی: نزدیکم نشست. «الدار ولیة ای قریبة». «داره ولی داری»؛ یعنی: خانه او نزدیک خانه من است.<sup>۱</sup>

با توجه و ملاحظه کتب لغت، به نظر می رسد که «ولی» به معنای مطلق قرب و نزدیک شدن است، نه این که به معنای قرب معنوی خاص باشد؛ چنان که از تعبیر راغب استفاده می گردد.<sup>۲</sup> و نه به معنای قرب حسّی خاص، که بعد تعمیم داده شده باشد؛ چنان که بعضی پنداشته اند<sup>۳</sup>؛ زیرا علمای اهل لغت، در معنای «ولی» گفته اند: «ولی: أصل صحیح یدلّ علی قرب.»<sup>۴</sup>، «الولی: القرب و الدنوّ و ...»<sup>۵</sup>، بدون این که قرب را به قرب حسّی و یا قرب معنوی مقید نمایند. این تعبیر مطلق، نشانه آن است که «ولی» به معنای قرب مطلق است و حقیقت در همان قرب کلی و مطلق است. کلمه «ولاء» به فتح و کسر واو، مصدر است. ولاء به کسر واو، مصدر مفاعله است؛ چون «والی، یوالی، موالاة و ولاء».<sup>۶</sup>

ولاء به فتح واو، مصدر تفعیل است؛ چون «سلام» و «کلام» و یا مصدر ثلاثی مجرد است، بر وزن «فعال»<sup>۷</sup> و در هر صورت، به معانی زیر آمده است:

۱. قرب؛ که اصل هم همین معنی است.

---

<sup>۱</sup> محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۱-۳۲۶؛ ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱؛ همو، مجمل اللغة، ص ۷۶۲؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۱۵؛ ابن درید، جمهرة اللغة، تصحیح زمري منیر، ۳ جلد، چاپ اول، دارصادر، ۱۳۴۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ زمخشری، جلاله محمود بن عمر، اساس البلاغة، چاپ اول، داربیروت للطباعة، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۸۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۱۲ و ۴۱۱؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ فیومی همان، ج ۱-۲، ص ۶۷۲؛ بستانی، محیط المحيط ص ۹۸۵-۹۸۶، ابن عبد الخالق، کنز اللغات، انتشارات مرتضوی ایران، ص ۱۴۱۹ و ۱۴۲۰؛ صفیپور، عبدالکریم، منتهی الارب، ۴ جلد، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۲۹۷ ق، ج ۳-۴، ص ۱۳۳۹.

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۳۳.

<sup>۳</sup> علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۱-۱۲.

<sup>۴</sup> ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱.

<sup>۵</sup> ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دارالجلیل، بیروت و المؤسسة العربية للطباعة والنشر، بیروت و چاپ جدید، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۲۰۹؛ ابن فارس، مجمل اللغة، ص ۷۶۲.

<sup>۶</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۱۲؛ ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۸۸ و ج ۲، ص ۱۷۸.

<sup>۷</sup> سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، البهجة المرضیة، دارالحکمة، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ش، باب ابنیه مصادر، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۲. قرابت؛ اعم از سببی و نسبی. اطلاق کلمه ولاء بر معتق، از همین باب است؛ چون مراد، قرب یکی از دو شخص و یا بیشتر، بر وجهی است که موجب ارث بردن یکی از دیگری می‌گردد؛ بدون وجود سببی و نسبی. ولاء قرابت، سه قسم است: ولاء عتق، ولاء ضمان جریره و ولاء امام.

۳. محبت و صداقت؛ چنان که درباره حضرت امیر آمده است: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»

۴. نصرت و تقویت.

۵. ملک و میراث.

۶. ولی و اولیا.

۷. آمدن پشت سر هم و بدون فاصله.<sup>۱</sup> لکن همه این معانی، به قرب بر می‌گردد، چنان که ابن فارس هم می‌گوید: «و الباب کلّه راجع إلى القرب».<sup>۲</sup>

کلمه «ولایت» به فتح و کسر واو، استعمال شده و در هر دو صورت، مصدر است؛ چنان که گفته می‌شود: «ولی الشیء و علیه ولایه و ولایه».<sup>۳</sup> منتهی «ولایت» به کسر واو، مصدر «والی» به معنای امارت و سلطنت است، اما ولایت به فتح واو، مصدر «ولی» ضد «عدو» می‌باشد.<sup>۴</sup> خلیل بن احمد هم گفته است: ولایت، مصدر موالات و والی است.<sup>۵</sup>

در این که آیا کلمه ولایت، به فتح، مصدر است، نزاعی نیست، لکن در مصدریت ولایت به کسر واو، دو نظر است:

---

<sup>۱</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۱۰؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۶۸۵.

<sup>۲</sup> ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۲.

<sup>۳</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷، به نقل از ابن سید؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۱۲۰۹؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۱۲۰۹.

<sup>۴</sup> شیخ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۴۹ و ج ۵، ص ۱۶۱ و ۱۶۲؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۱۲۰۹؛

<sup>۵</sup> فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۳۶۵ - ۳۶۶.



۱. ولایت به کسر واو، مصدر «ولی، ولی» است؛ زیرا فعل ثلاثی مفتوح العین که بر حرفه و صناعات دلالت داشته باشد، مصدرش بر وزن «فعاله» بکسر فاء است؛ مانند: «خیاطه» و «تجاره»، ولایت به کسر واو نیز چنین است و دلالت بر طلب و اصلاح و قیام و اداره امور دارد.<sup>۱</sup>

۲. ولایت به کسر واو، اسم مصدر است؛ مانند «اماره» و «نقابه»؛ زیرا ولایت به کسر واو، اسم است برای آنچه تولیت آن را به عهده گرفته اند و قیام به آن نموده اند و در حین اراده مصدر آن، واو را فتحه می دهند؛ چنان که این نظر به سیبویه منتسب است.<sup>۲</sup>

ولایت به معانی صاحب اختیار، سرپرست، سلطان، نصرت، محبت، دوستی، قرابت و خطه و بلاد سلطان، به کار برده می شود. در این که کدام یک از این معانی، معنای حقیقی کلمه ولایت به فتح واو و یا به کسر واو می باشد، اختلاف است و از کتب اهل لغت به دست می آید که لغویان در این باره دو دسته اند: عده ای، هر دو کلمه را به یک معنی گرفته اند و برخی دیگر، بین آنها تفاوت قائل شده اند.

دسته اول، سه بیان دارند:

۱. هر دو کلمه، به معنای نصرت و یاری کردن است؛ چنان که این معنی از ابن بری در ضمن آیه مبارکه: «ما لکم من ولایتهم»<sup>۳</sup> نقل شده است. گفته می شود: «هم علیّ ولایه، یعنی مجتمعون علیّ النصره» و به دیگر عبارات، آنها در خیر و شر، ید واحده اند و برای اثبات این معنی، به شعری از فرّاء تمسک کرده اند که گفته است:

دعیهم فهم ألبّ علیّ ولایه و حفرهم أن یعلموا ذلک دائب

فرّاء در این شعر، ولایت را به معنای نصرت به کار برده است.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، به نقل از زجاج.

<sup>۲</sup> ابن منظور، لسان العرب، همان، به نقل از سیبویه؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۵؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰.

<sup>۳</sup> انفال/ ۷۲.

<sup>۴</sup> ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۵؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۱۵؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۲؛ فیومی مفری، المصباح المنیر، ج ۲-۱، ص ۶۷۲؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۶۸۶.

۲. هر دو کلمه، به معنای قرابت است؛ چنان که از المحيط استفاده می گردد.<sup>۱</sup>

۳. هر دو کلمه، به معنای تولی امر و دولت است. این دو کلمه، مانند دلالت و دلالت است که حقیقت هر دو واژه، همان تولی امر و دولت است؛ چنان که صاحب مفردات و مجمع البحرین گفته اند، این معنی از بیان زمخشری در کتاب اساس البلاغه نیز استفاده می گردد که گفته است: «ولی ولایه، و هو والی البلد» ابن درید هم ولایت را به معنای امارت کردن گرفته است.<sup>۲</sup>

دسته دوم از اهل لغت نیز بیانات متفاوتی دارند:

۱. ولایت به فتح، مصدر و به معنای بلاد سلطان می باشد. بر همین مبناست که به یک استان، ولایت و به هم بلاد، هم ولایتی گفته می شود. ولایت به کسر، به معنای خطه، امارت، سلطنت و بلاد تحت تسلط می باشد.<sup>۳</sup>

۲. ولایت به فتح، به معنای ربوبیت، نصرت و نسب و ولایت به کسر، به معنای امارت و تولی امر است.<sup>۴</sup>

۳. ولایت به فتح، به معنای محبت و نصرت و به کسر، به معنای سلطنت و بلاد تحت تسلط سلطان است.<sup>۵</sup>

۴. در مجمع البحرین آمده است: ولایت به معنای محبت اهل بیت و تبعیت و تأسی به آنها در اعمال و اخلاق، از همین باب است. در لسان العرب به نقل از ابن اثیر آمده است:

<sup>۱</sup> بستانی، محیط المحيط، ص ۶۸۶.

<sup>۲</sup> ابن درید، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۱۸۸؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۳۳؛ زمخشری، جارالله محمود بن عمر، اساس البلاغه، چاپ اول، داربیروت للطباعة، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۸۹؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح سید احمد حسینی، ۶ جلد، چاپ دوم، مکتبه المرتضویه، چاپخانه خورشید، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۴۵۵؛ خسروی، سید مرتضی، مفردات الفاظ قرآن، ۳ جلد، چاپ اول، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۲ ق، ص ۴۸۹.

<sup>۳</sup> ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۶۸۵ و ۶۸۶؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۱۲۰۹؛ طریحی، مجمع البحرین، ص ۴۵۵؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰.

<sup>۴</sup> همان به نقل از زجاج و کسائی و فراء؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۳۳؛ سید مرتضی خسروی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۴۸۹.

<sup>۵</sup> ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷ و ۴۰۹؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ طریحی، مجمع البحرین، ص ۴۵۵.

ولایت به کسر، مشعر به تدبیر و قدرت و فعل است و مادامی که هر سه در ولایت جمع نباشد، اسم والی بر او اطلاق نخواهد شد.<sup>۱</sup>

از معانی ولایت، دو معنای آن، دقت و توجه ویژه ای را می طلبد: ۱. سلطنت و امارت؛ ۲. قرب و قرابت؛ زیرا در هر یک از این دو مورد، ادعای معنای حقیقی بودن برای کلمه ولایت شده است.

### سلطنت معنای حقیقی ولایت

کسانی که قائلند معنای حقیقی ولایت، سلطنت است، دو دلیل دارند:

۱. نقل اهل لغت؛ چنان که بعضی تصریح کرده اند که حقیقت ولایت، همان توفی امر و دولت است.

۲. تبادل؛ یعنی آنچه از کلمه ولایت به ذهن تبادر نموده و ذهن انسان، آن را می یابد و می فهمد، همان معنای امارت و سلطنت است، نه غیر آن.<sup>۲</sup>

### قرب معنای حقیقی ولایت

کسانی که معتقدند معنای حقیقی ولایت، قرب است نیز دو دلیل دارند:

۱. از باب «تردّ الأشیا إلى أصولها» باید دید که ریشه ولایت به چه معنی است. ریشه اصلی ولایت، ولی به سکون لام بوده و آن هم به معنای قرب است؛ چنان که اهل لغت چنین معنی کرده اند. فخرالدین طریحی نیز به این مطلب تصریح نموده و در ضمن معنای ولاء می گوید: «و أصله القرب و الدنو»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> مغنیه، محمدجواد، الجوامع والفوارق بین السنه والشیعه، تحقیق عبدالحسین مغنیه، مؤسسه عزالدین، بیروت، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۲۶.

<sup>۳</sup> طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۶۲؛ زمخشری، اساس البلاغه، ص ۶۸۹؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۹۸۵؛ راغب اصفهانی،

المفردات، ص ۵۳۳؛ ازهری، تهذیب اللغه، ج ۱۵، ص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ ابن درید، جمهره اللغه، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. در تمام مشتقات این ماده، معنای قرب وجود داشته و سایر معانی ولایت نیز به این معنی برمی گردد؛ چنان که ابن فارس نیز متذکر شده و گفته است: «و الباب کله راجع إلى القرب.»<sup>۱</sup> با توجه به مطالب فوق، شاید بتوان ادعا کرد که معنای حقیقی و اصلی ولایت، همان قرب است، اما به صورت کلی و تشکیکی که فرد اکمل و اظهر آن، همان امارت و سلطنت است. منتهی این قرب موجود در امارت، یک قرب خاصی است که موجب اولویت به تصرف و سلطنت می گردد.<sup>۲</sup>

«ولی» مشتق از «ولی» به سکون لام و از نامهای پروردگار متعال است<sup>۳</sup> و به معنای زیر به کار برده شده است:

۱. والی، حاکم، سرپرست، مدبر، متصرف در امور و ولی نعمت. خداوند ولی است؛ یعنی متولی امور خلاق و مالک و متصرف در تمام اشیا است.<sup>۴</sup> ولی یتیم و ولی مرأه و ولی رعیت و ولی دم و .... هم از همین مقوله است. ابن فارس هم گفته است: «کل من ولی امر أحد فهو ولیه...»<sup>۵</sup> که در این صورت، ولی از فعلیل، به معنای فاعل می باشد.<sup>۶</sup>

۲. مطیع و تابع؛ مانند ولایت بندگان نسبت به خداوند که گفته می شود: «المؤمن ولی الله». که در این صورت، فعلیل به معنی مفعول است.<sup>۷</sup>

۳. اولی و سزاوارتر؛ مانند ولایت خداوند نسبت به بندگان و ولایت پیامبر و امام نسبت به امت و رعیت و ولایت ولی یتیم و زن و ولی دم نسبت به یتیم و زن و دم. ظاهراً این معنی با معنای اول تفاوت ندارد.

---

<sup>۱</sup> ابن فارس، مقایس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۲؛ همو، مجمل اللغة، ص ۷۶۲.

<sup>۲</sup> علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۲.

<sup>۳</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۶؛ فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۳۶۵؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۹۸۵ و ۹۸۶؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۴ - ۳۲۷؛ شرتونی لبنانی، سعیدالخوری، اقرب الموارد، ۳ جلد، مکتبه آیة الله المرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۴۴۰.

<sup>۴</sup> همان.

<sup>۵</sup> ابن فارس، مقایس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱.

<sup>۶</sup> فیومی مفری، المصباح المنیر، ج ۱-۲، ص ۶۷۲؛ بستانی، محیط المحيط، ص ۹۸۶؛ شرتونی، اقرب الموارد، ج ۳، ص ۴۴۰.

<sup>۷</sup> همان؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۹ و ۴۱۰.